

## فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره یازدهم، زمستان ۱۴۰۱، ص ۴۶۱-۴۸۰

### جایگاه مربی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و روایات

بهتری میرزاوند<sup>۱</sup>

اعظم اسداللهی<sup>۲</sup>

خدیجه احمدی<sup>۳</sup>

ماریا حسامی<sup>۴</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۵</sup>

#### چکیده:

تربیت و تعلیم از جمله مباحث مهم و کلیدی است که نقش اساسی در سعادت خانواده و شکوفائی هر جامعه دارد. در این میان، مربی به عنوان یکی از ابزارهای تحقق تربیت، دارای جایگاه والائی است

۱. اشتغال به سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، معاون آموزش سابق مدرسه علمیه الزهراء (س) شوش،

استان خوزستان، فرهنگی و مدرس دروس: عقاید، منطق و روش سخنرانی.

۲. سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (س) قم، معاون پژوهش مؤسسه

آموزش عالی حوزوی کوثر قزوین، استان قزوین، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، Adadollahi.a.a@chmail.ir

۳. سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه آموزش عالی الزهراء (س)، شهر دزفول، استاد

ادبیات عرب در سطح دو (کارشناسی)، مؤسسه آموزش عالی الزهراء (س)، شهر دزفول، استان خوزستان، ایران، نویسنده

مسئول، www.hosseini.p1387@gmail.com

۴. دارای مدرک کارشناسی، رشته آموزش ابتدائی، معلم مدرسه ابتدائی با کد پرسنلی: ۷۰۸۵۲۶۹۳، شهرستان دالاهو،

استان کرمانشاه، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، maria.hesami@1402Gmail.com

۵. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه،

kariminia@quran.ac.ir

که هیچ کس بدون مربی و معلم نمی‌تواند کاری انجام دهد. البته پدر و مادر اولین معلمان و مربیان کودک هستند که بیشترین نقش در تربیت کودک ایفا می‌کنند. هر کودکی به پدر و مادر احتیاج دارد، تا طبیعت و سرشت وی همراه با تربیت صحیح شکل گیرد. در برخی روایات اسلامی به پدر و مادر نسبت به آموزش دینی کودکان حتی از سن سه سالگی سفارش شده است. دین مبین اسلام ظرفیت عظیمی از پاسخ‌گوئی به همه ابعاد زندگی بشر را دارا می‌باشد. پیرامون تربیت دینی و اخلاقی از دیدگاه قرآن و روایات مباحث متنوعی از جهات گوناگون ارائه شده است. ما در این پژوهش برآنیم تا جایگاه و نقش مربیان در تربیت اخلاقی کودکان از منظر قرآن و روایات را بررسی نمائیم.

**کلیدواژه‌ها:** مربی، معلم، تربیت، قرآن، روایات، کودک.

## مقدمه

قرآن کریم به عنوان چراغ پرفروغ کاملترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد. در آیات نورانی آن، مباحث تعلیم و تربیت اسلامی به زیبایی هرچه تمام ترسیم شده و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی نموده است. اساساً این کتاب آسمانی برای هدایت و تربیت انسان ها نازل گردیده است. نفوذ شگفت‌انگیز آیات قرآن در دل و جان انسان‌ها، تحولی عظیم در ابعاد گوناگون زندگی بشر ایجاد کرده و همیشه الهام‌بخش تفکرات سازنده و ارزش‌های والا بوده است. قرآن کتابی نیست که انسان‌ها را تنها پند و اندرز دهد و مسائل زندگی را به صورت ذهنی و تئوری بیان کند، بلکه در هر زمان که خواسته است ارزشی را بیان کند، با ارائه نمونه‌های عینی در جامعه، صداقت و صراحت و واقع‌گرایی خود را به اثبات رسانیده و همواره فضیلت‌ها و نیکی‌ها را همراه با مطرح ساختن شخصیت نیکان معرفی کرده است. (فرهادیان، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۵). هدف از تعلیم و تربیت قرآنی، هدایت انسان‌ها به سوی کمال مطلق است و روشی را که ارائه می‌دهد، برای هر چه بیشتر فراهم نمودن زمینه‌های رشد و خلاقیت در جهت تکامل است، به طوری که محتوا و روش‌های کاربردی در تربیت انسان، همگی در این راستا قرار می‌گیرد.

### ۱) مفهوم شناسی

برای واژه تربیت در لغت و اصطلاح معانی متعددی بیان شده است. از این رو لازم است که معنای لغوی و اصطلاحی آن مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱-۱) مفهوم لغوی تربیت

واژه «تربیت» عربی، مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه است: ۱. ربأ، یربؤ (فعل مهموز)؛ ۲. ربی، یربی (فعل ناقص)؛ ۳. رب، یرب (فعل مضاعف)

تربیت چون از «ربا، یربو» باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند. این منظور در لسان العرب می‌گوید: «چیزی رشد کرد و افزوده شد». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۰۵).

اگر تربیت برگرفته از «ربی، یربی» باشد، معنایش افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک است.

واژه تربیت از ریشه «رب، یرب» در معانی زیر آمده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن.

از میان سه معنای ذکر شده، بیشتر زبان‌شناسان، تربیت را با عنایت به ریشه «رب، یرب» تعریف کرده‌اند. مثلاً در تعریف راغب اصفهانی آمده است: «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجामी که آن را سزد برسد». (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م، ص ۵۲).

واژه «تربیت» در زبان فارسی به معنای پرورش دادن، (عمید، ۱۳۶۲ش، ص ۳۸۶)، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن (دهخدا، ۱۳۷۷ش، واژه تربیت) و همچنین به معنای یاد دادن ادب و اخلاق (معین، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۰۶۳) نیز آمده است. در زبان عربی، این واژه در قالب باب تفعیل از ریشه‌ی «رب» ساخته شده به معنای افزودن، رشد و نمو کردن و علو (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۳) که غالباً برای رسیدگی به امور موجود زنده جهت دستیابی او به رشد و نمو ظاهری استعمال می‌شود. معمولاً رسیدگی یادشده در مورد انسان، به دوران طفولیت وی منحصر می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۰ش، ص ۲۶). در متون روایی، واژه‌ی «تربیه» ذکر شده (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳). اما در قرآن کریم، کلماتی با ریشه‌ی «رب» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م، ص ۳۳۶) آمده است مانند: «ربّانی».

(اسراء/۲۴).

باتوجه به تعاریف متعددی که از تربیت بیان گردید، به نظر می‌آید که تربیت در لسان عرب به معنای شکوفا کردن و رشد دادن استعدادهای انسان در جهت کمال به همراه مربی و پرورش دادن می‌باشد؛ کما اینکه راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ قرآن، به آن اشاره دارد و تربیت را از ریشه الرّب گرفته و آن را به معنای پرورش دادن می‌داند و همچنین احمد بن فارس در کتاب معجم المقائیس

اللغه ریشه تربیت را از الربوة گرفته که به معنای مکان مرتفع است. و در ادامه آن را به معنای «اذا غَدَوْتَه» هم گرفته است؛ به معنای غذا دادن و پرورش دادن و به رشد رسانیدن گرفته است.

واژه تربیت که واژه‌ای عربی، دارای دو ریشه است که از جهت معنا خیلی از هم بیگانه نیستند: یکی از ماده «رَبَّ» به معنای سرپرستی کردن. «رَبَّ الْاَبُ وَاَلَدَهُ»، یعنی پدر، فرزند خود را سرپرستی کرد و نسبت به تغذیه و رشد و تربیت او متعهد شد؛

و دیگری «ربوه» می‌باشد که معنای تغذیه دادن که اشاره به معنای «پرورش دادن» می‌باشد. حال کدامیک از این دو ریشه اصل و کدامیک فرع است خود بحث تفصیلی لغوی و مستقلی را طلب می‌کند که از محدوده این پژوهش خارج است.

## ۲-۱) مفهوم اصطلاحی تعلیم و تربیت

با توجه به این که برای تربیت، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان بیان شده است؛ اما با وجود اختلاف تعابیر، همگی در یک نتیجه اجماع دارند و آن رسیدن به قرب الهی و کمال مطلق است که هر انسان، همواره باید به سوی آن در حرکت باشد.

### ۱-۲-۱) تربیت در اصطلاح

نخستین تعریف برای تربیت، طبق تعالیم پیامبراکرم (ص) که راه اصلی رسیدن به قرب الهی را این روش می‌داند؛ «دلالت و راهنمایی متربی به شناخت خدا، به عنوان رب یگانه انسان و جهان به وسیله عقل، برای تن دادن اختیاری به ربوبیت انحصاری او، از راه عمل به تعالیم و دستورهای آخرین پیامبر الهی و ائمه اطهار، به منظور عبادت خدا برای رسیدن به مقام قرب الهی». (مهدی زاده، ۱۳۹۶ش، ص ۱۱۵).

استفاده از قوای انسان و پرورش آنها در تعریف بعدی به چشم می‌خورد که این منظور با تلاش مربی و طبق توانایی متربی (شخص مورد تربیت) لحاظ شده است. «برانگیختن استعدادها و قوای

گوناگون انسان و پرورش آنها که باید با کوشش و سعی مُربی نیز توأم باشد تا انسان به منتهای کمال نسبی خود - به میزان طاقت و توانائی - نائل شود». (حسینی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۱).

در جای دیگر این گونه آمده است: «تربیت عبارت است از پرورش دادن استعدادهایی که در فرد مورد تربیت موجود است». (مطهری، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴).

برخی از اندیشمندان هم این گونه تعریف کرده کرده است: «پرورش (تربیت) عبارتست از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا به طور کلی رشد شخصیت پرورش یابندگان در جهت هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنهاست». (سیف، ۱۴۰۱ش، ص ۱۲). جریان منظم که موجب رشد ابعاد وجودی انسان می شود و استعدادها را شکوفا می کند.

در برخی از تعاریف بیان شده است؛ «فرآیند کمک به فرد تربیت پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دستیابی وی به کمال و شکوفا سازی استعدادها یا باز دارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می باشد». (بناری، ۱۳۸۳ش، ص ۲۵).

آیت الله ابراهیم امینی در تعریف اصطلاحی تربیت که مدعی است این تعریف بهترین تعریف می باشد: «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرائط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند». (امینی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۷).

از بررسی تعاریف ذکر شده، عناصر مشترک زیر به دست می آید: الف. تربیت یک نوع عمل و فعالیت است؛ ب. در تربیت وجود دو عنصر مربی و متربی ضروری است؛ ج. تربیت عملی عمدی، آگاهانه و هدفمند است. (بناری، ۱۳۸۳ش، ص ۷۰).

بنابراین هدف اصلی تربیت، کمک کردن به فرد برای رساندن فرد به حد مطلوب و رسیدن به کمال و سعادت است و تغییراتی که در امر تربیت صورت می‌پذیرد آنی و دفعی نیست؛ بلکه باید به صورت تدریجی و به مرور زمان صورت بگیرد.

تربیت به ابعادهای مختلف انسانی توجه دارد. اگر این تلاش و کوشش در جهت رشد و شکوفائی اعضاء و جوارح بدنی باشد، به آن «تربیت بدنی» گویند. اگر در جهت رشد و شکوفائی نیروهای عقلی و قوای فکری باشد به آن «تربیت عقلی» و اگر در جهت رشد و شکوفائی امیال و گرایش‌های نفسانی باشد و موجب پیدایش ملکات اخلاقی شود، به آن «تربیت اخلاقی» گویند.

هدف اصلی در تربیت دستیابی به کمال و شکوفائی است همراه با بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارها، که در این تعریف به آن اشاره شده است. لذا با این اوصاف می‌توان تعریفی جامع بیان کرد که تربیت عبارت است از لازم است معادل لاتین آن Education نیز بیان شود. از نظر لغت ریشه این کلمه نشان می‌دهد که تربیت عبارت است از «بیرون کشیدن کودک از حالت نخستین و یا از خود بیرون آمدن او» و بعدها مراقبتی که در پرورش و تغذیه کودکان اعمال می‌شود، و نیز به معنای مراقبت در امور پرورش روحی آنان و آموختن علم یا عادت نیک به آنها به کار رفته است. (دبس، ۱۳۷۴ش، ص ۳).

### ۲-۲-۱) تعلیم در لغت و اصطلاح

تعلیم مصدر باب تفعیل از ریشه «ع - ل - م» و به معنای آموختن و آگاهانیدن است. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۵۹۷، واژه تربیت). تعلیم، آگاهی دادن و تعلّم آگاه شدن نفس به یک موضوع است. (ابن فارس، ۱۹۷۹م، ج ۴، ص ۱۱۰). برخی گفته‌اند: تعلیم، بر خلاف اعلام، ویژه اموری است که با تکرار و فراوانی همراه باشند، به گونه‌ای که اثری از آنها در ذهن متعلّم پدید آید (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م، ص ۵۸۰). بر همین اساس می‌توان گفت تعلیم بیان و روشن کردن چیزهایی است که شخص جاهل به کمک آنها عالم می‌شود. (طبرسی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۲۹۹).

### ۲-۲-۳) تفاوت مفهوم تعلیم و تربیت

در مقایسه آموزش (تعلیم) و تربیت (پرورش)، تفاوت‌هایی بیان شده است که عبارتند از:

۱. از نظر شرایط: شرایط تربیت به مراتب از تعلیم مشکل‌تر است، چون تربیت از ظرافت، حساسیت و پیچیدگی بیشتری برخوردار است. از این رو، مربی نسبت به معلم، باید از قاطعیت، تجربه، معلومات، صبر و استقامت، حلم و شرح صدر بیشتری برخوردار باشد، تا بتواند به نتایج مطلوب تربیتی دست یابد. مربی برای پرورش مُربی، از سویی باید تمامی شرایط رشد را آماده ساخته، مرحله به مرحله او را همراهی کند، و از سوی دیگر باید آگاهی، حوصله، دقت، پشتکار را به اندازه لازم دارا باشد. در غیر این صورت، در کار خود موفق نخواهد شد. اما معلم، کافی است که زمینه‌های لازم برای یادگیری را از راه گفتن، نوشتن، رسم کردن فراهم کند.

۲. در تربیت هدف رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایی بالقوه انسان است، ولی در آموزش هدف اصلی در آن انتقال معلومات است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۵).

۳. در تعلیم بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم، اما تربیت فراگیر و همه‌جانبه است. (همان)

بنابراین تعلیم و تربیت تفاوت‌های با هم دارند و چنین هم نیست که هیچ ارتباطی به هم نداشته باشند، بلکه هر تربیت در مقدمه به تعلیم نیاز دارد. بنابراین تعلیم هم در گستره این تحقیق وجود دارد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به هدف مطلوب، یک معلم باید مربی هم باشد؛ یعنی هم تربیت و هم تعلیم را لحاظ کند و تعلیم و تربیت باید همراه همدیگر و در راستای هم انجام گردد.

## ۲) نقش مربی در تربیت کودک از منظر قرآن و روایات

در اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت، همین کافی است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی‌ها معرفی شده است و در کلمات پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰)؛



من از آن رو برانگیخته شدم که: اخلاق کریمه و صفات ستوده و انسانی را در بشر بکمال رسانم و  
بپایان آرم».

این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است. از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدامحوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی می باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی شناسد؛ چرا که علم و حکمت را گمشده مؤمن می داند که نزد هر کس بیابد آن را می گیرد.

پیرامون تربیت انسان در قرآن و روایات اهمیت زیادی قائل شده است و مخصوصاً تربیت فرزند و کودک نیز در کلام گهربار ائمه اطهار (ع) نیز بسیار به چشم می خورد. حضرت علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند:

«يَعْرِفُ الْمُؤْمِنُ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَ رَبِّهِ بِأَنْ يُرَبِّيَ وَلَدًا لَهُ كَافِيًا قَبْلَ الْمَوْتِ» (الهندي، ۱۹۸۹م، ج ۱۶، ۴۸۹)؛

قدر منزلت انسان مؤمن در پیشگاه پروردگارش در گرو تربیت فرزند است که پیش از مرگ او را بی نیاز گرداند».

در آیات قرآن نیز اهمیت تربیت نیز بسیار محسوس است. به طور نمونه در آیات سوره لقمان، سفارشات تربیت که لقمان به فرزندان خود دارد را بیان می کند. (لقمان / ۱۳-۱۹). بنابراین طبق آیات و روایات متعددی اهمیت تربیت مشخص می شود و انسان ها همیشه باید به فکر تعالی و ترقی خود باشند و مربیان و والدین نیز در این امر وظایفی دارند که در این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

## ۱-۲) ویژگی یک مربی

در نظام تربیتی اسلام در امر تربیت مربی و معلم نقش مهم و اساسی دارد. اگر مربی شایستگی اخلاقی نداشته باشد، در امر تربیت موفق نخواهد بود. بنابراین مربی برای این که بتواند تأثیر تربیتی داشته باشد، باید ویژگی های که برای یک مربی لازم است داشته باشد.

### ۱-۲-۱) محبت و عشق رزیدن به کودک

بدون تردید، یکی از اساسی ترین نیازهای کودک پس از نیازهای مادی، نیاز به محبت است. لازم است که والدین به این نیاز کودک توجه خاص داشته باشند و بدانند که پاسخگویی صحیح به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را شکل می دهد. با نگاهی به آمار دختران فراری و بررسی ریشه این مسئله، پی می بریم که در خانه به ایشان محبت نشده است، و لذا شخص به دنبال محبت های دروغین بیرون از خانه است.

سیره عملی امام صادق (ع) در این خصوص، نشان دهنده توجه ویژه اسلام به این اصل و نیاز اساسی فرزند می باشد. در روایت آمده است:

«كَانَ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنٌ يُحِبُّهُ حُبًّا شَدِيدًا فَقِيلَ مَا بَلَغَ حُبُّكَ لَهُ؟ قَالَ: مَا أَحَبَّ أَنْ لِي ابْنٌ آخَرَ فَيُنْشِرَ لَهُ فِي حَبِّي، (ابن ابی الدنیا، بی تا، ج ۱، ۳۱۵)؛

یعنی: امام صادق (ع) به فرزند خویش بسیار محبت می کردند، از ایشان سؤال کردند: چقدر او را دوست دارید؟ فرمود: به اندازه ای که دوست ندارم فرزند دیگری داشته باشم تا محبتم را بین آنها تقسیم کنم».

این روایت اصل مهم و اساسی محبت به کودک را مورد توجه قرار می دهد.

و نیز امام صادق (ع) فرمود:

«قَالَ مُوسَى (ع) يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ قَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي فَإِنْ

أُمَّتُهُمْ أَدْخَلْتَهُمْ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي، (طبرسی، ۱۴۰۸ق.، ۲۴۹)؛

یعنی: حضرت موسی(ع) به خدا عرض کرد: خدایا! برترین اعمال نزد تو کدام است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا من آنها را بر فطرت توحیدی خویش آفریده ام و اگر آنها را بمیرانم، به رحمت خود به بهشت وارد می کنم».

موضوع دیگر که در امر تربیت لازم است که یک مربی داشته باشد، عشق ورزیدن یک مربی به کودک است. زیرا وجود عشق یک مربی از جمله پدر مادر در فرایند تربیت و پرورش فرزندان از کارآمدی لازم بر خوردار بوده و تأثیرگذاری مهم را به همراه دارد.

پدران و مادران فرزندان شان دوست داشته و به آنها عشق می ورزند؛ با این تفاوت که عشق مادر نسبت به فرزندان بدون قید و شرط است. اما عشق پدر مشروط به قید می باشد. مادر بدون توجه به ویژگی های جنسیتی و رفتاری فرزند و فقط به صرف موجودیت فرزند به او عشق و علاقه دارد؛ حتی اگر مورد بی مهری قرار گیرد، او را طرد نکرده و همچنان نزدش نگه می دارد و از عشق و علاقه خودش محروم نمی کند. پدر در عین حال که عشقش از مادر کمتر نیست، ولی این عشق مشروط به قیدی پیروی و رعایت نکات و ضوابطی است که از فرزند خواسته می شود و فرزند در صورت رعایت موارد تعیین شده از سوی پدر، مهر و محبت پدران دریافت می کند و در صورت عدم رعایت ضوابط و شرایط مورد نیاز برای تربیت و پرورش از عشق پدری محروم می شود. (کاوه، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵۲-۱۵۳).

در نتیجه عشق پدر و مادر در تربیت فرزند مکمل هم هستند؛ به این معنا که عشق مطلق مادر در تربیت فرزند بدون عشق مشروط پدر کارائی لازم را ندارد.

## ۲-۲-۲) متعهد بودن مربی

وفای به عهد و وظیفه ای دینی و عقلی است که نسبت به دیگران، به ویژه کودکان در سیره امام صادق(ع) مورد توجه قرار گرفته است. اگر ما به وعده های خود به کودکانمان عمل نکنیم، شخصیت

فرزندان را تحقیر کرده، به آنان درس دروغگویی می دهیم و با گفتار عمل خود سخنانی را هم که در آینده خواهیم گفت، از پیش بی اعتبار می سازیم. امام صادق (ع) می فرماید:

«أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ، فَفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَيُرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرُزِقُونَهُمْ؛ (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ۴۹)؛

یعنی: کودکان را دوست بدارید و به آنها محبت کنید، پس اگر به آنان وعده ای دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان روزی خود را در دست شما می بینند».

### ۳-۲-۲) فروتنی و گذشت

یکی دیگر از راه‌ها برای یک مربی بالا بردن دانش خود است که این عمل نیز باعث فروتن شدن خلق در برابر خداوند و دنیای پیش‌رو می‌شود:

«بگو خواه به آن ایمان بیاورید و خواه ایمان نیاورید کسانی که پیش از آنها دانش داده شد، هنگامی که (این آیات را) بر آن خوانده می‌شود، سجده کنان (از روی خشوع و خضوع) به خاک می‌افتند و می‌گویند: پروردگارا ما که وعده‌هایش به یقین انجام شدنی است. آنها (بی اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند و (تلاوت این آیات) به خشوعشان می‌افزاید». (اسراء/ آیات ۱۰۷ - ۱۰۹).

در بعضی از آیات قرآن کریم اشاره به فروتنی شده و انسان را به این امر دعوت نموده است:

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ، (حدید/ ۱۶)؛

یعنی: آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، وقت آن نرسیده که دل‌هایشان برای یاد خدا و برای آنچه از حق نازل شده فروتن و خاشع شود و مانند کسانی نباشند که پیش از آنها کتاب (آسمانی) به آنها داده شده بود. پس مدت (عمر) بر آنها طولانی شد و دل‌هایشان سخت گردید».

در روایات نیز بر قلبی بودن خشوع تأکید بسیاری شده است و به تأثیر خشوع قلب در رفتار و منش انسان تأکید شده و او را از افراط در خشوع طاهری یعنی خشوع در جوارح بدون حضور خشوع در قلب بر حذر دانسته‌اند. (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۷۹).

#### ۴-۲-۴) عفت و پاک‌ی

مطالعات و آموزه‌های دینی نشان می‌دهد عوامل مختلف وراثتی، ژنتیکی و محیطی، از آغاز تشکیل نطفه بر انسان تأثیر دارند؛ بنابراین باید از دوران انتخاب همسر و حتی پیش از آن برای برخورداری فرزندان آینده‌مان از تربیتی سالم و مناسب زمینه سازی نمائیم.

«فَلَمَّا تَعَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمَلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ، (اعراف/۱۸۹)؛

یعنی: پس چون آدم با او حوا درآمیخت، باردار شد، باری سبک و چندی با آن بارسبک گذرانید و چون سنگین بار شد، خدا پروردگار خود را خواندند که اگر به ما «فرزندی» شایسته عطا کنی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود».

طبق این آیه می‌توان برداشت کرد که برای صلاح و تربیت صحیح فرزند، باید پیش از تولد او اقدام کرد و از خدا استمداد جست. تأکید اسلام بر چگونگی انتخاب همسر نیز به همین دلیل است. (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ص ۲۴۱).

در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم آمده است:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (اعراف/۵۸)؛

یعنی: و زمین پاک «و آماده» گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن «زمینی» که ناپاک «و نامناسب» است «گیاهش» جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید این گونه آیات «خود» را برای گروهی که شکر می‌گزارند گونه‌گون بیان می‌کنیم».

بعضی از مفسرین این تعبیر قرآن را برای بدن انسان و بسته شدن نطفه نیز بیان نموده‌اند؛ مثل تفسیر اطیب البیان که می‌گوید: «همین نحو فیض و رحمت الهی در کالبد بدن انسانی از همین ثمرات و حبوبات تولید نطفه می‌کند، اگر صلب آباء و رحم أمهات پاکیزه باشد، مؤمن صالح باشند و حرام نخورده باشند، اولاد صالح تولید می‌کنند و اگر خبیث و کافر و فاسق و اکل حرام کرده باشند، اولاد فاسق و فاجر تحویل جامعه می‌دهند». (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ص ۳۶۵). لذا بر اساس آیه، برای تربیت شایسته فرزند حتی قبل از تولد و هنگام انتخاب همسر باید اقدام نمود.

به همین جهت است که اولین تأکید دین اسلام در موضوع ازدواج، انتخاب همسر مناسب است؛ چون این همسر اولین مربی فرزند خود خواهد شد چه زن که مادری سالم و چه مرد که پدری دلسوز و مهربان باشد. قرآن کریم نیز برای این امر اهمیت قائل است به طوری که می‌فرماید:

«وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَا مَعْفَرَةٌ بِأَذْنِهِ وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ، (بقره/۲۲۱)؛

یعنی: با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند «زیبایی» او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شما را به شگفت آورد آنان «شما را» به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود «شما را به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند باشد که متذکر شوند».

و در روایات نیز به انتخاب همسر خوب تأکید شده است. حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

«تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ، (الهندی، ۱۹۸۹م، حدیث ۴۴۵۵۹)؛

یعنی: از خاندان و عشیره نیکوکار زن بگیرید؛ همانا صفات به ارث می‌رسد».

و فرمودند: «تَخَيَّرُوا لِطُفْئِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ، (همان، حدیث ۴۴۵۵۶)؛

برای نطفه‌های خود جای مناسب انتخاب کنید زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می‌آورند».

پس نقش وراثت در تربیت مهم است و راه‌کارهای آن نیز از طریق آیات و روایات به دست ما رسیده است. پس اول باید محیط اولیه تربیت را که خانواده و والدین هستند درست بسازیم تا بتوانیم در این امر موفق باشیم.

### ۲-۲-۵) دعا و پرستش خداوند

فضای امن و آرام برای تربیت، یک امر لازم و ضروری است و یک از عوامل مهم و اساسی در ایجاد چنین فضائی دعا و نیایش است. دعا و نیایش در عین حال که موجب آرامش و کاهش اضطراب و نگرانی در هر خانواده می‌شود، شدت در پایین آمدن سطح اضطراب، نگرانی و انواع جنایت‌ها در جامعه، مؤثر است؛ به گونه‌ای که در جامعه‌ای که مردم آن اهل دعا و عبادت هستند، جنایت‌های از قبیل ظلم، فساد، خیانت در آن کم بوده و مردم در آرامش و امنیت خاطر بسر می‌برند. اما جامعه‌ای که از نعمت دعا و راز نیاز با خالق هستی محروم هستند، آمار فساد و جنایت در آن بیشتر است.

دانشمند فرانسوی به نام الکسیس کارل در این باره می‌گوید: «آمار جنایت‌ها نشان داده است که به طور متوسط کسانی که به عنوان مجرم و جنایت‌کار در جامعه شناخته شده‌اند، کسانی هستند که یا هیچ و یا بسیار اندک و جاهلانه دعا می‌کنند و بر عکس از میان همان طبقه مردم، غالباً آنها که هنوز سمت نیایش و دعا را حفظ کرده‌اند، از ارتکاب جنایت مصون‌اند». (ضیایی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۱۳).

بنابراین با دعا و عبادت است که هم مربی و هم متربی خودشان را در حوزه امنیت خداوند احساس می‌کنند و از طریق دعا و ارتباط با خداست که انسان به سعادت و کمال حق نایل شده به آرامش می‌رسد. قرآن کریم می‌فرماید:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸)؛

یعنی: تنها به یاد خدا دل‌های مضطرب و پریشان آرامش پیدا می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فُؤَادِكُمْ وَاهْلِيكُمُ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم/۶)؛

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید».

این آیه اشاره به خود انسان و خانواده وی است که سفارش نموده خودتان را از دچار شدن به آتش دوزخ حفظ کنید. منظور و هدف این است که با تربیت صحیح خانوادگی و ایجاد محیطی مناسب و امن برای تربیت خود و خانواده خود کوشا باشید تا دچار لغزش نشوید. خانواده می‌تواند با به کارگیری اصول تعلیم و تربیت خود و فرزندان را به نقطه تعالی رهنمون سازد.

بدون شک، ایجاد محیط سالم یک امر اولیه و ضروری در امر تربیت یک امر لازم و ضروری است، زیرا این محیط خانواده است که اولین تأثیر را روی شخصیت پذیری کودک می‌گذارد. از این رو برای تشکیل خانواده به چند نکته باید توجه شود:

۱. انتخاب همسر مناسب و شایسته که شالوده و ستون‌های محکم خانواده را تشکیل می‌دهد؛  
۲. هنگام تشکیل فرزند و انعقاد نطفه نکاتی باید رعایت شود که این محیط بهتر و کامل‌تر برای مراحل بعدی تربیت ایجاد شود؛

۳. مراحل بعدی تأثیر محیط خانواده هنگام رشد کودک در شکم مادر است که باید پدر و مادر نیز به این محیط اولیه فرزند خود نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند؛

۴. و مراحل بعدی رشد تربیتی که در سنین مختلف والدین وظایف گوناگونی دارند.  
لذا طبق این تقسیم و مراتب این نکته قابل توجه است که مربیان اولیه انسان که والدین هستند از همان بدو شروع زندگی باید آموزش داده شوند تا وظایف خود را کامل بدانند و متوجه این امر شوند که ایجاد محیط تربیت اولیه انسان بسیار در پیشرفت روند تربیت اهمیت دارد.

با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است، هر انسانی بعد از محیط خانواده ناچار است با اطراف خود مثل دوستان، مدرسه، اجتماع ارتباط برقرار کند و موجب می‌شود که تأثیرات متقابلی در اجتماع خود داشته باشد به این منظور که هم تأثیر می‌پذیرد و هم تأثیرگذار خواهد بود. ابن ابی الحدید از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:



«إِذَا خَبِثَ الزَّمَانُ كَسَدَتِ الْفَضَائِلُ وَ ضَرَّتْ وَ نَفَقَتِ الرِّزَائِلُ وَ نَفَعَتِ، (آمدی تمیمی، ۱۳۸۹ ش.، ۴۵۶)؛

یعنی: وقتی محیط اجتماع ناپاک و آلوده شد فضایل اخلاقی و سجایای انسانی بی رونق و زیان آور می شود و برعکس رزائل و ناپاکی رایج و سود بخش می گردد».

در روایت دیگر در باره محیط و جامعه فاسد می فرماید:

«صَارَ الْفُسُوقُ فِي النَّاسِ نَسْبًا وَ الْغَافُ عَجَبًا، (همان، ۴۵۷)؛

یعنی: گناه کاری و ناپاکی در آن جامعه از اوصاف عادی مردم شده و پاکدامنی و عفاف موجب شگفتی گردیده است»

خداوند در قرآن کریم در مورد قوم موسی می فرماید:

«وَ جَاوَزْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ، (اعراف / ۱۳۸)؛

یعنی: و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم تا به قومی رسیدند که بر «پرستش» بتهای خویش همت می گماشتند گفتند ای موسی همان گونه که برای آنان خدایانی است برای ما «نیز» خدایی قرار ده گفت راستی شما نادانی می کنید».

این آیه بیانگر این مطلب است که محیط‌های ناسالم می تواند بر انسان تأثیرگذار بوده و به سرعت انسان را از راه خود منحرف سازد. که قوم بنی اسرائیل با این همه موعظه و پند حضرت موسی (ع) هنگامی که به قوم بت پرست رسیدند از جایگاه خود تغییر مسیر دادند.

بنابراین مربیان و کسانی که مسوولیت تربیت به دوش آنهاست وظیفه سنگین را بدوش دارند؛ باید در دوران کودکی مراقبت‌های ویژه‌ای داشته باشند که متربی از آسیب‌های مختلف مصون باشد و در جامعه دچار پیچیدگی‌های مختلف نشده و از خصائل نیکوی اجتماع بهره‌بردار. قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ، (حج / ۴۱)؛

یعنی: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست».

### نتیجه گیری

مربی نقش مهم در شکوفا کردن قدرت و استعداد های بالقوه کودکان دارد. شخصیت اخلاق مربی در کاهش مشکلات اخلاقی، روحی و روانی مؤثر است؛ به گونه ای که محتوای تربیتی سالم و مفید بستگی به تربیت درست شخص مربی دارد. مثلاً نقش پدر و مادر به عنوان اولین مربی و همچنین آموزگاران در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان و دانش آموزان انکارناشدنی است؛ بدین صورت که زمین دل و اندیشه کودکان در اختیار پدر و مادر و دوران جوانی و نوجوانی آنها در اختیار آموزگار می باشد. در حقیقت هر نوع رفتار فرزندان چه خوب یا بد، ناشی از تربیت درست و نادرست مربی است؛ به این صورت که بسیاری از جرم ها که ناشی از ضعفها و کمبود های عاطفی، روحی و روانی افراد مجرم است، ناشی از کم کاری پدر و مادر در حوزه تربیت می باشد. از این رو تربیت صحیح مستلزم داشتن یک سلسله صفات است که یک مربی باید داشته باشد. مثلاً یک مربی در ضمن این که فردی متعهد، فروتن، با عفت و اهل دعا و پرستش است، باید مهرورزی، محبت و عشق ورزیدن به متربی را داشته باشد. در سخنان حضرت علی (ع) آمده است: هر کس خود را پیشوای مردم قرار دهد، باید پیش از آموزش دادن مردم، از یاد دادن به خود آغاز کند، و باید پیش از تربیت زبانی، با رفتارش تربیت کند. آموزگار و مربی خود، بیش از آموزگار و مربی مردم، شایسته احترام است.

### فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد محمد، غُرُّ الْحَكَم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۹ش.

۲. ابن ابی الدنیا، الحیال، دمشق، دار ابن القیم، بی تا.

۳. ابن ابی شیبیه، ابوبکر، المصنّف، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۹م.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۶. امینی، ابراهیم، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
۷. بناری، علی همت، نگرش بر تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳ش.
۸. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، المصطفی(ص)، ۱۳۹۵ش.
۹. حسینی، سید ابوالحسن، آشنائی با نظام تربیتی اسلام، قم، اسلامی، ۱۳۹۸ش.
۱۰. دبس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، معنا و حدود علوم تربیتی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدار الشامیه، ۱۹۹۲م.
۱۳. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، تهران، دوران، ۱۴۰۱ش.
۱۴. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، الخصال، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۱۵. ضیایی، حیدرعلی، نور هدایت، فصلنامه تخصصی در حوزه تربیت، شماره اول، ۱۳۹۰ش.
۱۶. طبرسی، رضی الدین، ابی نصر الحسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، فراهانی، ۱۴۲۷ق.
۱۸. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش.
۱۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲ش.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱. فراهیدیان، رضا، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ش.
۲۱. قرائتی، محسن، تفسیرنور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۲۲. کاوه، سعید، ناکارآمدی‌ها در تربیت فرزندان، تهران، سخن، ۱۳۸۸ش.
۲۳. کلینی، یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۵. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، چاپ هفتم، تهران، صدرا، ۱۳۷۰ش.
۲۶. \_\_\_\_\_، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۲ش.
۲۷. مهدی زاده، حسین، آئین عقل ورزی، تهران، تمدن اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۲۸. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۲۹. الهندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین، کَنْزُ الْعَمَالِ فِي سِنَنِ الْأَقْوَالِ وَالْأَفْعَالِ، بیروت، الرسالة، ۱۹۸۹م.